

## هنر مطلوب از منظر اندیشه اسلامی

ناصر مقدم‌پور/ دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، گروه مطالعات عالی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران / n.moqadampour@gmail.com  
حسن بلخاری قهی/ استاد گروه مطالعات عالی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران / hasan.bolkhari@ut.ac.ir  
تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴  
(DOI): 10.22034/shistu.2023.1987701.2327

### چکیده

هنر مطلوب از منظر اندیشه اسلامی - در واقع - تعریف «هنر» از دیدگاه دین اسلام و تعیین خصوصیات و اهداف آن است و این امر نیازمند طرح مفاهیم کلی مربوط به اندیشه اسلامی برای تعیین ماهیت هنر در قالب این اندیشه است. بر این مبنا، اصول اعتقادی اسلام با محوریت توحید در کنار تعالیم اسلامی (شامل اعتقادات، اخلاقیات و احکام) چارچوب کلی این هنر را تعیین می‌کند. جهان‌بینی مبتنی بر حیات دنیوی و اخروی یا عوالم معقول و محسوس، فضای فکری و کار هنری را مشخص می‌کند. اهدافی مانند تعیین خصوصیات هنر مطلوب اسلامی با تأکید بر نظرات اندیشمندان شیعه و با در نظر گرفتن سه وجه کار هنری (یعنی اثر هنری، مخاطب و هنرمند) دنبال می‌شود. این تحقیق به صورت «توصیفی - تحلیلی»، خصوصیات مطلوب هنر را ذیل عناوین کیفی تبیین می‌کند. یافته‌های تحقیق هنر مطلوب را هنری مسئول، غایتگرا، آرمانگرا، جهانی، فراگیر، مؤثر و مفید می‌داند و بر رابطه عمیق دین و هنر تأکید دارد. توجه به هنر مجازی به مثابه رویکردی رو به رشد، و موضوع دسترسی به هنر به عنوان یک تجربه عمومی و مشترک نیز از دستاوردهای مهم این تحقیق است.

کلیدواژه‌ها: هنر مطلوب، هنر اسلامی، هنر شیعی، هنر دینی، هنر مجازی، دسترسی هنر.

## مقدمه

حوزه هنر بسیار وسیع است و رویکردها یا زاویه دید و نگرش به مقولات مرتبط با هنر نیز متفاوت و متنوع است. از این لحاظ بررسی هنر در اندیشه اسلامی، نه تنها محدود کردن موضوع نیست، بلکه ترکیب دو حوزه بسیار وسیع «هنر» و «اندیشه اسلامی» است. این تحقیق بخش خاصی از هنر و اندیشه اسلامی را در نظر دارد و کوشیده است با تبیین رابطه میان این دو، الگویی قابل استفاده ارائه کند. بخش وسیعی از آثار هنری باقیمانده در ایران، جهان اسلام و سایر نقاط و تمدن‌ها، ارتباط عمیق و تاریخی هنر و دین را نشان می‌دهد. این ارتباط امکانات متقابلی برای هنر و دین ایجاد کرده است. از این نظر، دین، مضمون، موضوع، هدف، زمینه و حمایت برای هنر فراهم ساخته، هنر نیز ابزارهای تأثیرگذاری برای تبلیغ، تشریح و تعلیم مضامین دینی بوده است. ورود به این حوزه، ضمن تبیین ارزش‌های آثار هنری موجود، برنامه یا الگوی مناسبی برای کار هنری خواهد بود. با این حال، تنوع نگرش‌ها و اندیشه‌های اعتقادی از یک سو، و تنوع ایده‌های هنری، کار هنری و دیدگاه و توان هنرمند از سوی دیگر، شرایط بحث‌برانگیزی ساخته است.

توضیح ضروری اینکه مفهوم «هنر مطلوب از منظر اندیشه اسلامی» با عبارت «هنر اسلامی» تفاوت دارد. عنوان «هنر اسلامی» بر تمایز میان دسته‌ای از هنرها و آثار هنری با هنر غیراسلامی تأکید دارد، و حال آنکه عبارت «هنر مطلوب از منظر اندیشه اسلامی» هنر به مفهوم کلی را در نظر دارد و از ابتدا شرط «اسلامی بودن» بر آن نمی‌گذارد. از این رو در این بحث، کار هنری منطبق با اصول و قواعد مطلوب در دامنه هنر اسلامی قرار دارد. از این نظر، الگوها یا خصوصیات مطلوبیت، فراگیر است و صرفاً هنرمند یا مخاطب هنری مسلمان را در نظر ندارد.

عنوان «هنر مطلوب از منظر اندیشه اسلامی» فاقد سابقه تحقیقی مستقیم است. در متون مذهبی نیز موضوع هنر و خصوصیات مطلوب آن سابقه تحقیقی ندارد و اشارات

مستقیمی دیده نمی‌شود. با این حال سابقه موضوع در زمینه تحقیقات غیرمستقیم قابل بررسی است. منظور از «تحقیقات غیرمستقیم» در درجه اول تمام مطالب و تحقیقاتی است که به موضوع هنر و در اینجا هنر اسلامی اشاره دارند. بدین‌روی هر تعریف یا توصیف و تحلیلی در باب هنر اسلامی، به نوعی اشاره به خصوصیات هنر مطلوب است. در این میان مباحث مطرح شده از سوی سنت‌گرایان،<sup>۱</sup> ارتباط بیشتری با سابقه بحث ما دارد. نظرات اندیشمندان دیگر، به ویژه اندیشمندان شیعه معاصر، از جمله محمدتقی جعفری، مرتضی مطهری، غلامرضا اعوانی، رضا داوری اردکانی، حسن بلدخاری، محمد مددیپور، همچنین امام‌خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، مرتضی آوینی و علی شریعتی در بیان خصوصیات هنر مطلوب از منظر فلسفی، عرفانی، سیاسی و مدیریتی شایان توجه هستند.

دسته دیگری از تحقیقات غیرمستقیم در حوزه‌هایی، از جمله معماری، شهرسازی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، دین، فرهنگ و مانند آن هستند. در این گروه، منابع آرمانشهری اسلامی بیش از هنر، جامعه و انسان مطلوب یا - در واقع - عامل و شرایط خلق هنر را در نظر دارند. این آثار و نظرات توجه خاصی به مطلوبیت اجتماعی و فضای زیست‌گروهی داشته، با ارائه یک الگوی محدود و کوچک، سعی در تعریف خصوصیات جهانی آرمانی دارند.

در این باب، فارابی در کتاب *اندیشه اهل مدینه فاضله* با تأکید بر مفهوم کلی «سعادت» می‌گوید: «مدینه فاضله مدینه‌ای است که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول سعادت آدمی است». (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷)

---

۱. جریان یا مکتب فکری جاری از قرن ۱۹ م مبتنی بر اصولی مانند «وحدت متعالی ادیان»، «کثرت‌گرایی دینی»، «گرایش به عرفان و تصوف»، «علم و هنر قدسی در برابر علم و هنر امروزی» با محوریت انتقاد از تجدد و دنیای نوین بوده است.

خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری می‌نویسد: «مدینه فاضله مدینه‌ای است که ساکنان آن برای کسب سعادت حقیقی کوشش کنند. اداره چنین مدینه‌ای به دست حکیمان و فاضلان باشد». (طوسی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۷ و ۲۴۲)

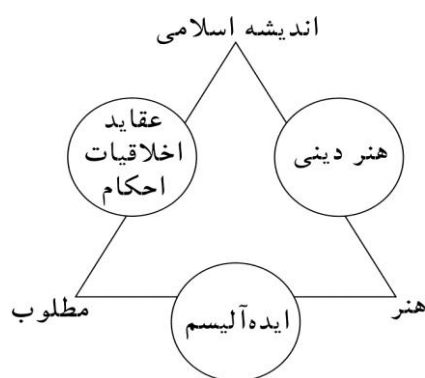
ملاصدرا در مبدأ و معاد اشاره دارد: مدینه فاضله مدینه‌ای است که شهرهای آن برای نیل به نهایت و خیر حقیقی با یکدیگر همکاری دارند. (ملاصدرا، ۱۳۶۲، ص ۴۹۰)

این تحقیق به صورت «توصیفی - تحلیلی» به موضوع «اندیشه اسلامی و هنر» پرداخته و از دیدگاه اسلامی، ویژگی‌های مطلوب هنر را به صورت عناوین کیفی تبیین کرده است.

## توضیح و تحلیل مباحث

### چارچوب بحث

عنوان «هنر مطلوب از منظر اندیشه اسلامی» سه بخش مرتبط با هم (یعنی «هنر»، «مطلوب و مطلوبیت» و «اندیشه اسلامی») دارد. شکل (۱) الگوی ارتباطی عناوین بحث و همچنین حوزه‌های واسط میان این بخش‌ها را نشان می‌دهد:



شکل (۱): نمودار ارتباطی سه بخش اصلی بحث

## ۱. اندیشه اسلامی

منظور از «اندیشه اسلامی» نگرشی است بر پایه اعتقادات، جهان‌بینی، اصول فکری و رویکرد اسلامی. شرح این موضوع نیازمند تعریف مختصری از دین، نقش آن و تعالیم دینی اسلام است.

### ۱-۱. مفهوم و موضوعات «دین»

اصطلاح «دین» در بحث حاضر به «باورهای ماورایی» و در معنای خاص به «ادیان الهی» اشاره دارد. با این شرط، دین مجموعه‌ای از باورها و دستورات الهی برای حیات بشری است که ماحصل آن زندگی دیندارانه اجتماعی به مثابه نتایج باورهاست. از منظر اسلامی مجموع اعتقادات (حقیقت انسان و جهان) و مقررات متناسب با آن که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد، «دین» نامیده می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۸۶، ص ۱۳) ادیان الهی به قدرت مطلق خداوند به مثابه خالق جهان و هستی و وجودی غیرمادی، متعالی، حاضر، ابدی، قادر، عالم، رحمان و بخشنده که نقش و حضورش در تمام ابعاد زندگی آشکار است، اعتقاد مشترک دارند. (Mawson, 2005, p.10) این اصل در اسلام محور اعتقادات (یعنی «توحید») است.

### ۱-۲. اهداف و مقاصد شریعت اسلام

بر اساس آیات و روایات، اهداف یا مقاصدی مانند تکامل انسان، تقرب الهی، عبادت خداوند، کسب رضایت الهی (ذاریات: ۵۶)، همچنین تحقق خلیفه اللهی و آبادسازی زمین از طریق ایمان و مقتضیات آن، نظیر عمل صالح برای سعادت دنیا و آخرت و شامل جوانب مادی و روحی است؛ عملی که میان مصالح فرد و جامعه، مصلحت خاص قومی و مصلحت انسانیت به طور عام، مصلحت نسل کنونی و مصلحت نسل‌های آینده جمع می‌کند و همه این موارد را در حوزه انسان (به عنوان فرد)، خانواده، امت و همه انسانیت عملی می‌سازد.

(ویسی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰) اهداف فوق تمام شئون زیستی انسان، تفکر، عقیده، عمل، حیات اجتماعی و جامعه، مسیر حیات و نهایت زندگی انسان را شامل می‌شود. این موارد در واقع ترکیب اهداف متعالی با احکام و اعمال جزئی برای زندگی فردی و اجتماعی است.<sup>۱</sup>

### ۱-۳. جهان‌بینی اسلامی

مهم‌ترین شاخصه جهان‌بینی اسلامی اعتقاد به «توحید» است که دو شاخصه «باور به مخلوق الهی بودن جهان و انسان» و «اعتقاد به جهان غیر مادی» را بیان می‌کند. شاخصه دوم به تعیین ماهیت وجود با دو عالم مادی و غیرمادی یا تعبیری مانند دنیا و آخرت، عقل و احساس، انسان و خداوند، طبیعت و ماورای طبیعت می‌رسد که سابقه طولانی در تفکر بشری دارد. افزوده شدن یک عالم میانه با عنوان «عالم مثل»، مفاهیم جدیدی به این مبحث وارد می‌کند. این عالم حد فاصل دو عالم مذکور است که در عین تفاوت، برخی از خواص شرایط هر یک از دو عالم را دارد.

### ۱-۴. چند الگو برای انسان و جهان

درک درست و کاربردی از جهان‌بینی اسلامی در مقوله «هنر»، با تبیین چند الگو یا تعبیر از جهان امکان دارد. طرح این موارد پس از بررسی تطبیقی با مفهوم «مطلوبیت» و «هنر»، به الگویی تبیینی برای هنر مطلوب اسلامی می‌رسد.

۱-۴-۱. عوالم صغیر و کبیر: یکی از تعبیر یا الگوهای جهان‌بینی اسلامی با نسبت قرار دادن انسان و جهان بیان می‌شود و به دو صورت است: الف. «انسان عالم کبیر - عالم انسان صغیر» ب. «انسان عالم کبیر - عالم انسان صغیر».<sup>۲</sup> مراد از «انسان کبیر» همه کائنات و

۱. ذیل عنوان «مقاصد الشریعه»، به معنای کلی غایات و اغراضی که احکام شریعت با هدف تحقق آنها وضع گشته آمده است.

۲. اشاره به جهان‌بینی‌ای که در آن جزء (عالم صغیر) و کل (عالم کبیر) نمایانگر یکدیگرند. این جهان‌بینی نوعی دور و خصلت در بسیاری از الگوهای عرفانی در فلسفه قدیم و جدید، از جمله نجوم، کیمیا و هندسه مقدس و فیثاغورثی است.

موجودات غیر از انسان است، و مراد از «انسان صغیر» انسان (عالم صغیر) است. از این رو «عالم صغیر» نسخه‌ای از انسان کبیر است. این الگو نشانگر رابطه مفهومی، معنایی و شکلی میان کل و جزء است.

۱-۴-۲. **عوالم وجود:** در جهان‌بینی اسلامی، عوالم وجود بر مبنای جهان عین و غیب، دو صورت دارد:

۱-۴-۲-۱. **عالم معقول:** در اصطلاح، «معقول» چیزی است که توسط عقل - و نه حواس - ادراک شود. چون حواس محل بسیاری از خطاها و اوهام و گمراهی است. در مقابل آن، محسوس یعنی: آنچه به حس درآید. «اشیای معقوله» یعنی: حقایق اشیاء. (سجادی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۸۵۰) از این رو مراتب شناختی بالایی دارد و در مقابل معرفت تجربی و مشاهده قرار دارد.

۱-۴-۲-۲. **عالم محسوس:** عالم عینی و محل زیست ماست که بارزترین مشخصه آن زمان و حرکت از حالت بالقوه به سوی بالفعل است. این عالم از حیث وجودی دارای ضعیف‌ترین مرتبه است، و زمان و مکان از خصوصیات ذاتی (جوهری) آن است. موجودات این عالم برخلاف موجودات دو عالم قبلی (معقول و مثال) دایم در حال تغییر و به فعلیت رسیدن و استکمال‌اند.

در جهان‌بینی قرآن، عالم هستی منحصر به آن چیزی نیست که برای ما محسوس است، بلکه محسوسات قشر نازکی از عالم هستند و قسمت عظیم‌تر در ماورای آن است. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۳)

۱-۴-۲-۳. **عالم مثال:** عالم میان دو عالم معقول و محسوس، «مثال» است که وجودی برتر از عالم ماده دارد. در آن صورت حقیقی اشیا وجود دارد، اما بدون خصوصیات مادی. (هدائی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵)

### ۱-۴-۳. وحدت و کثرت

بر مبنای رابطه جزء و کل، بر اساس قاعده «تجلی و ظهور»، حقیقت هستی مربوط به ذات الهی است و هر آنچه غیر اوست به نحوی مظاهر تجلی ذات خداوندی است. به تعبیر ساده، غیر خداوند در تجلی وجود او کثرت یافته و بخشی از حقیقت وجودی است، اما نه به معنای برابری خالق و مخلوق. این مفهوم با عبارت «وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» بیان می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۱-۴-۴. قوس صعود و نزول

بر مبنای تعبیری که جریان دائمی تکامل و تحول انسان را در نظر دارد، «قوس نزولی» به معنای ادامه هستی، از کامل‌ترین مرتبه آن (مبدأ هستی) تا مرز نیستی است. (شجاعی، ۱۳۸۴، ص ۲۹-۴۰) و بالعکس، در قوس صعود هر موجودی در سلسله صعودی و استكمال وجودی خود، از ناقص‌ترین مرتبه خود رو به ترقی نهاده، عوالم وجود را طی می‌کند و با گذر از مادیت، به وادی مثال قدم نهاده، به مرتبه مجرد مثالی راه می‌یابد و در صورت توفیق، به مرتبه مجرد عقلی نیز دست پیدا می‌کند. (هدایی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷) پایان قوس نزول ابتدای قوس صعود و پایان قوس صعود خداوند است. قوس نزول مکان استعداد یافتن، و قوس صعود محل کسب و فعلیت و ظهور استعدادهاست. این قاعده، هم در کل جریان حیات و عوالم و هم در اجزا دیده می‌شود.

### ۱-۴-۵. تجسم اعمال

به معنای مجسم شدن اعمال آدمیان در برابر آنها در روز قیامت و از مباحث مرتبط با معاد در کلام و فلسفه است؛ به این معنا که اعمال نیک دنیایی انسان به صورت نعمات بهشتی و

---

۱. اصطلاحی است در عرفان اسلامی بر مبنای «وحدت وجود»، «تجلی» و «ظهور» و از مهم‌ترین نظریات در عرفان اسلامی به شمار می‌آید و بیانگر آن است که ذات هستی یکی - بلکه یگانه - است و مصداق آن حق (خدا) است و ماسوای آن نمود و ظهور و تجلی او و از شئون اویند.



اعمال بد به صورت عذاب نمودار خواهند شد. این امر بر پایه همان نگرش ارتباطی میان ماده و مثال آن نیز تفسیر می‌شود.<sup>۱</sup>

### جمع‌بندی

اعتقاد به خداوند مهم‌ترین رکن اعتقادی اسلام است و بر این اساس نگرش، بینش و جهان‌بینی اسلامی شکل می‌گیرد. قالب کلی جهان‌بینی اسلامی باور به جهان غیب است و از این نظر، جهان سه مرتبه دارد: عالم معقول، محسوس و مثال (برزخ یا خیال). مفاهیم دیگری مانند «تجسم اعمال»، «وحدت در عین کثرت»، «قوس صعود و نزول» و مانند آن در واقع ارتباطات و تناسبات میان این عوالم را نشان می‌دهند و منظور از طرح آنها، تأکید بر وجود ارتباطی منجسم، دایمی و سیال میان عوالم وجود و انسان است. این امر در تعریف جهان‌بینی هنرمند و کار هنری او، خوانش اثر توسط مخاطب و ماهیت اثر هنری، به شکل ترکیب عوامل مادی و غیرمادی مفید است. جدول (۱) جمع‌بندی موضوعات مزبور را در ارتباط با هنر نشان می‌دهد:

عوامل صغیر و کبیر	بیان رابطه و نسبت هنر، انسان و جهان با یکدیگر، هم به لحاظ مفهومی و هم به لحاظ شکل و بروز بیرونی
عوالم وجود	تعریف ماهیت هنر بر اساس عوالم سه‌گانه
وحدت و کثرت	توجه به هنر به مثابه محل تجلی و ظهور فیض الهی
قوس صعود و نزول	سیر دایمی و امکان تغییر جایگاه برای کار هنری، اثر هنری، ذهنیت هنرمند و دریافت مخاطب
تجسم اعمال	مسئولیت‌پذیری در قبال کار هنری و توجه به نتایج آن

### جدول (۱) جمع‌بندی عناوین و مفاهیم چندالگو و تعبیر در جهان‌بینی اسلامی

۱. بحثی است در حوزه‌های کلام، فلسفه، اخلاق، عرفان و حکمت به معنای به شکل و جسم درآمدن عقاید و اخلاق و افعال انسان در قیامت. این مفهوم به صور گوناگون در ملل و تمدن‌های دیگر، از جمله ایران و یونان سابقه دارد، به ویژه در امثال و فرهنگ مردمی و نیز متون ادبی، از جمله: *ارداویرافنامه* و آثار مولوی، اشارات اندیشمندی همچون فیثاغورث، ابوعلی سینا، ابن عربی، صدرالمتألهین و برخی دیگر.

## ۲. مطلوب و مطلوبیت

### ۲-۱. تعاریف و مفهوم کلی

در شرح مفهوم «مطلوب» و «مطلوبیت»، از تعاریف لغوی، معنایی، معادل‌های انگلیسی<sup>۱</sup> و تعبیر در علوم گوناگون، این معانی به دست می‌آید:

- آرزو، هدف، موعود، آرمان؛ جسته شده؛
- ارجح، برتر، بهتر، کامل، بدون نقص، نمونه، الگو، فراگیر، همه‌پسند، مورد توجه؛
- محبوب و معشوق (در اینجا غیر فردی)؛
- مفید، سودمند، کارا، کارآمد، کارساز؛
- احتیاج، لازم، ضرور، نیاز؛
- دلخواه، خواسته، پسندیده، خوشایند، دلپسند، مورد نظر، مرغوب، مساعد، مطبوع، مقبول، مقصود.

با این وصف، «مطلوب» از پایین‌ترین سطح نیاز تا بالاترین مراتب آرزو را شامل می‌شود. سایر مفاهیم بر اساس موضوع و زمینه از یک سو، و ذهنیت طالب از سوی دیگر معنا می‌یابد. مفهوم «مطلوب» در زمینه‌های گوناگون، از جمله اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مذهب و هنر تعاریف متفاوتی دارد. دامنه کاربردی و معنایی «مطلوب» از حوزه‌ای کوچک در نیازهای اولیه و غریزی تا فلسفه و جهان‌بینی فردی و اجتماعی را شامل می‌شود.

---

۱. مطلوب، کمال مطلوب، بهینه، اصلاح و بهبود: Optimal / مطلوب، مرغوب، خواستنی، پسندیده، خوشایند، خواسته: Desirable / مورد تأیید، مطلوب، مساعد، مناسب: Favorable / آرمانی، تصور چیزی در حد کمال آن، یک استاندارد از سطح کمال یا تعالی: Ideal / کامل، بی‌نقص: Perfect / مفید: Useful / مناسب، درخور، مقتضی: Suitable / فایده، سودمندی: Utility.

## ۲-۲. سطوح مطلوبیت در تعیین موارد

### ۲-۲-۱. مطلوبیت فردی

سنجش و رضایت نسبت به موضوعاتی در حیطه درک و شناخت فردی و برخاسته از نیازها، تمایلات، انگیزه‌ها و شخصیت فرد است. در این خصوص نظر، مازلو<sup>۱</sup> مبتنی بر سلسله مراتب نیازهای انسان و با هدف بررسی شخصیت، انگیزه و رفتار انسان است. بر این اساس، نیازها بر رفتار انسان تأثیر گذاشته، انگیزه یا محرک این رفتارها، تأمین نیازها یا ضرورت تأمین نیازهاست. (رضائیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴) مازلو با تأکید بر موضوع «نیاز و انگیزه»، نیازها را نقطه آغاز نظریه «انگیزش» خود دانسته، تأمین آنها را مبنای اصلی انگیزه و رفتار می‌شمرد. (Maslow, 1970, p.6) در این نظریه، نیازهای آدمی در پنج طبقه زیستی، امنیتی، اجتماعی، احترام، خودشکوفایی و خودانگیزی قرار می‌گیرند. (الوانی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶-۱۶۰)

نکته مهم اینکه تا وقتی نیازهای اولیه تأمین نشود، سطح نیاز به رده بالاتر نخواهد رفت. از این نظر، سطح نیاز، انگیزه و رضایت فرد مرحله به مرحله به سطحی بالاتر میل می‌کند. مازلو تأکید دارد: تمام علایق، لذتها (رضایت‌ها) و نیازهای جدید، نه تنها جدید هستند، بلکه در سطحی بالاتر از مراتب قبل قرار می‌گیرند. (Maslow, 1970, p.61) با این وصف، می‌توان گفت: در کنار ارتقای سطح نیاز، انگیزه و رضایت، موضوع و سطح مطلوبیت نیز در درجه بالاتری قرار می‌گیرد.

### ۲-۲-۲. مطلوبیت جمعی

نگرش همسو و گروهی تعدادی از افراد نسبت به یک موضوع بر اساس رضایت، تمایل، آرزو و آرمان است. این نوع مطلوبیت در قالب مطلوبیت اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و البته اعتقادی، حضور پررنگی دارد.

---

۱. Abraham Harold Maslow (۱۹۰۸-۱۹۷۰). روان‌شناس امریکایی، ارائه‌گر نظریه «هرم سلسله مراتب نیازها» که به نوعی نظریه «انگیزش یا رشد» آدمی است.

## ۲-۳. مطلوب از منظر اسلام

دین اسلام با بیان اصول اعتقادی، اخلاقیات و احکام (به صورت حدود حلال، حرام، مباح، مستحب و مکروه) نظام جزا و پاداش و جهان‌بینی خود را ارائه کرده است. باور به موارد ذکر شده و تلاش برای تشکیل جامعه‌ای با مشخصات مد نظر دین، برنامه، چشم‌انداز و هدف مؤمنان است. دستیابی به این شرایط یا جامعه آرمانی، نهایت مطلوبیت فردی و اجتماعی است. رشد معنوی هر فرد و احساس رضایت از آنچه بدان باور دارد و انجام می‌دهد و همچنین فرجام نیک برای حیات در این فضا، منتهای مطلوب است. از این مفهوم در متون اسلامی، به «حیات طیبه» شخص مؤمن تعبیر شده است.

## ۲-۳-۱. مطلوب انسانی و مطلوب الهی

از منظر دین، مطلوب انسان همان مطلوب خداوند است. از این رو برای انسان مؤمن، این دو هیچ تفاوتی با هم ندارند. توصیه‌های دین - به طور کلی - شکل‌دهی مطلوبیت‌های فردی در قالب تعالیم دینی است.

## ۲-۳-۱. مطلوب و رضایت خداوند

«رضایت» به مفهوم انطباق امری با سطح قابل قبول، از ارکان مطلوبیت است. علامه طباطبائی با تعریف «رضایت» در ساده‌ترین سطح می‌نویسد: رضایت در بندگان به معنای «مطابقت چیزی با میل انسان» است که به محض مخالفت‌نداشتن صادق می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۵۰۸) در اصول اعتقادی اسلام، رضایت خداوند بالاترین نتیجه ایمان و عمل است. در این مفهوم، مطلوب انسان از رضایت الهی، بهره‌بردن از عالی‌ترین سطح نعمت الهی است. این نعمت که فراتر از پاداش بهشتی و نعمات آن است، همانا حس سعادت انسان از رضایت الهی است.

### ۲-۳-۱. انسان و جامعه مطلوب از منظر اسلام

در اندیشه اسلامی اشارات گوناگونی به ویژگی‌های مطلوب انسان و جامعه شده است که شاخص‌ها و صفات قابل توجهی را ارائه می‌دهد. این ویژگی‌ها در دو حوزه مربوط به انسان در جدول (۲) و جامعه در جدول (۳) آمده است:

### ۲-۳-۱-۱. انسان مطلوب از منظر اندیشه اسلامی

عنوان	مفهوم	ویژگی‌ها
انسان کامل	متخلق به صفات یا اسماء الهی، در پی تحقق ظرفیت‌های کامل انسانی تا مرحله خلیفه الهی	واسطه میان حق و خلق، خردگرا، مہذب، متفکر، خداترس شریف، آزاده و دوستدار فضیلت
انسان آرمانی	منطبق با مشی الهی، پرتلاش و کوشا در طی مسیر از انسان تا خدا (گاه معادل انسان کامل)	بیشترین تشابه به ذات الهی، در تلاش برای اتصال به منبع غیب و وابسته به منبع فراگیر خداوندی
انسان مسلمان	تسلیم مطلق در برابر فرمان خدا. ایمان کامل و خالصانه به توحید و عمل به شریعت اسلام	راستگو، امانتدار، یاریگر مسلمانان، دارای حسن رفتار فردی، اجتماعی. رعایت‌کننده حقوق خدا و مردم
انسان سالم	دارای شرایط مقبول از نظر سلامت و بهداشت جسمی و روانی	متمایل به استفاده از نعمات الهی، فعال و مفید، آرام، مطمئن، متعادل و عاقل دارای قوه شناخت
انسان مؤمن	باورمند و آگاه نسبت به خدا و خود و جهان و ملتزم به مقتضای علم	مجموعه صفات مربوط به اعتقادات (رابطه انسان و خداوند) احکام و عبادات (اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی)
انسان موعود	الگو، منظور، منجی (اساساً حضرت مهدی - عج -)	برتر، فرازمینی، فرازمانی و کامل. نزدیک‌ترین فرد (یا از نزدیک‌ترین افراد) به منبع ماورایی

جدول (۲): مفاهیم و ویژگی‌های مطلوب انسانی در قرآن کریم و روایات

گذشته از ویژگی‌های اعتقادی، تحقق سایر صفات، نیازمند تلاش فردی از یک سو و فراهم بودن شرایط و امکانات فردی از سوی دیگر است.

### ۲-۳-۲-۱-۲. جامعه مطلوب از منظر اندیشه اسلامی

عنوان	مفهوم	ویژگی‌ها
جامعه اسلامی	دین‌باور، دین‌مدار، دین‌داور، مطلوب دین، تحت حاکمیت شریعت اسلام	ایمان به خدا، برخوردار از روح برادری، حاکمیت اخلاقی، تدبیر معیشت، گسترش دانش
جامعه سالم	جامعه‌ای واجد سلامت جسمی، روانی و به ویژه اجتماعی.	صلح، عدل، احسان، عدالت، دسترسی اقتصادی، و تأمین امنیت جانی، مالی، عاطفی، معنوی، شخصیتی
جامعه آرمانی	تحقق کامل برنامه‌های الهی حاصل از ایمان و عمل، حضور تقوا در تمام شئون اجتماعی	حاکمیت الهی، اجرای عدالت و توزیع عادلانه ثروت با هدف رشد معنوی و مادی بشر

### جدول (۳) مفاهیم و ویژگی‌های مطلوب جامعه در قرآن کریم و روایات

چنین جامعه‌ای گذشته از پرورش اعتقادات، زمینه تحقق و رشد انسان مطلوب در قالب صفات ذکر شده در جدول (۱) را فراهم می‌کند.

### ۲-۳-۲-۱-۲-۲. ضرورت توازن و تعادل

ایجاد جامعه مطلوب، گذشته از برنامه‌ریزی، نیازمند تلاش عمومی است. نگاهی به تنوع مؤلفه‌های دخیل در شکل‌دهی جامعه مطلوب، اهمیت توجه کامل به همه جوانب را تأیید می‌کند و این منوط به توازن و تعادل در تمام فعالیت‌هاست. شکی در اهمیت معنویات نیست. با این حال، باید توجه داشت انحراف و گمراهی معمولاً با غلبه مطلق باطل و آنچه

خلاف واقعیت است، رخ نمی‌دهد، بلکه انحرافات بیشتر در اثر افراط در رشد یکی از محاسن و غفلت از بقیه یا انکار آنها پدید می‌آید و عدم توازن از اینجا آغاز می‌گردد و باطل بر یک جنبه از خیرات غلبه می‌یابد و فرد یا جامعه آن را می‌پذیرند. (حسین‌زاده یزدی، ۱۳۹۴، ص ۵۱)

#### ۲-۴. ایده‌آلیسم، اسلام و مطلوبیت

«ایده‌آلیسم» به دیدگاهی فلسفی اشاره دارد که در آن نقش اصلی تجربه و درک پدیده‌ها و جهان، مبتنی بر یک تفکر غیر مادی است. در این دیدگاه «ذهن» اساسی‌ترین واقعیت است و جهان فیزیکی وابسته به ذهن و فقط به مثابه ظاهر یا بیان ذهن به شمار می‌آید. (Edward, 2005, p.429) در این مکتب یا جهان‌بینی، مفاهیمی مانند «ذهن»، «جهان واقع» و «حواس» نقش مهمی دارند. کلمه «ایده»، در ترکیب عبارت «ایده‌آلیسم»، برای تعریف و بیان مفهوم آن نقش محوری دارد و نیازمند شرحی مختصر است:

#### ۲-۴-۱. ایده یا مُثُل

نخستین بار افلاطون کلمه یونانی «ایده»، با معانی گوناگونی همچون «شکل، ظاهر و نمونه» را در معنای فلسفی و به اعتبار یکی از معانی آن (یعنی نمونه و مثال) استفاده کرد. در این معنا، «ایده» یک سلسله حقایق مجرد است که مابازایی دارد. افلاطون برای هر نوعی از انواع موجودات جهان، یک موجود مجرد عقلانی غیرمادی (با نام ایده) قایل بود. از این نظر هر چیز محسوس یا همین موجوداتی که در جهان دیده می‌شوند، به تعبیری سایه و نمونه آن موجودند و به تبع آن، خود آن موجود نمونه کامل سایه یا چیزی است که در این جهان دیده می‌شود. به عقیده افلاطون دنیای ملموس پیرامون انسان که در زندگی روزانه توسط حواس درک می‌شود، غیرواقعی است. افلاطون با رد شناخت حسی، بیان کرد که چنین ادراکی ارزش معرفتی ندارد و شناخت جهان تنها به کمک عقل ممکن است. (فشاهی، ۱۳۸۵، ص ۲۱) از این نظر، «ایده» الگویی برای درک جهان است. عبارت «ایده» از سوی اندیشمندان مسلمان، به «مثل» یا «مثال» ترجمه شده است.

نکته مهم اینکه تعریف «ایده‌آلیسم» وابسته به تعریف یک مفهوم دیگر، یعنی «رنالیسم»، به معنای «مکتب اصالت واقع» است؛ به این معنا که این واقعیت خارجی است که اصالت دارد و مستقل از ادراک انسان است. از این منظر، جهان خارج ربطی به وجود و عدم شخص ندارد و بدون او باقی است.

## ۲-۵. ایده‌آلیسم و اسلام

در مبحث «ایده‌آلیسم»، رابطه فلسفه یونانی، به ویژه نظرات افلاطون و ارسطو، با فلسفه اسلامی قابل توجه است. اصلاً تقسیم‌بندی مکاتب اسلامی از یک نظر، بر همین اساس است. «فلسفه مشاء»، «فلسفه اشراق» و «حکمت متعالیه» سه مکتب فلسفی مهم در جهان اسلام‌اند.

«فلسفه مشاء» نخستین مکتب فلسفه اسلامی، تحت تأثیر ارسطو، روشی کاملاً استدلالی دارد. ابن‌سینا را برجسته‌ترین فیلسوف مشاء می‌دانند. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۱۴۸)

«فلسفه اشراق»، که بیشتر با مؤسس آن سهروردی شناخته می‌شود، در نقطه مقابل فلسفه مشاء قرار دارد و بر شهود درونی و سیر و سلوک تأکید می‌کند. (کربن، ۱۳۹۴، ص ۲۷۷)

«حکمت متعالیه» نام نظامی فلسفی است که ملاصدرا بنا کرد. او با ترکیب سه روش «عقلی»، «نقلی» و «شهودی»، کوشید مکتب فلسفی جدیدی ارائه دهد که ضعف‌های مکتب‌های فلسفی پیشین را نداشته باشد. در «حکمت متعالیه»، سه منبع معرفت (یعنی وحی و عقل و شهود معنوی یا مکاشفه عرفانی) به هم پیوند خورده‌اند.

باید توجه داشت که فلسفه اشراق و حکمت متعالیه به نوعی در رده «فلسفه مثالی» افلاطون قرار می‌گیرند. از این نظر وقتی درباره «ایده‌آلیسم» در اسلام صحبت می‌شود، به یک تقسیم‌بندی دوگانه می‌رسیم. این مقدمه به منظور تذکر به ارتباط عمیق «ایده‌آلیسم» و فلسفه اسلامی است. با این حال برخی عناوین به مثابه مبادی بحث «ایده‌آلیسم در اسلام» و همچنین برخی عناوین مختص جهان‌بینی اسلامی، نیازمند توضیح است.



## ۲-۵-۱. آرمان

از موضوعات مهم در شرح مفهوم «مطلوبیت»، «آرمان و آرمان‌گرایی» است. کلمه «آرمان» در زبان‌های فرانسه و انگلیسی، برابر «Ideal»، و به معنای «کمال مطلوب، پندار، آرزو و امید» آمده است. (آراسته‌خو، ۱۳۸۱، ص ۶۱) «آرمان» به آرزوهای دور و حتی دست‌نیافتنی همراه با حسرت و ناامیدی نیز اشاره دارد. اما این کلمه در زمینه ایدئولوژیکی و اعتقادی، به جنبه‌های مثبت، انگیزشی، هدفمند و امیدوارکننده نزدیک شده و فراتر از یک آرزوی شخصی، به سمت نظرات و رفتارهای جهتدار میل کرده است. از این نظر، «آرمان» چیزی است که آدمی خواهان آن است. (همان، ص ۶۱)

به تعبیر دیگر، «آرمان» به معنای مطلق، چیزی است که عقل و عاطفه را کاملاً ارضا نماید و بر عقل و عاطفه، از آن نظر که فعالیت و حرکت آن دو، این کمال بالقوه را تعیین می‌بخشد و موجب تعریف مقدماتی آن می‌شود، اطلاق می‌گردد. «آرمان چیزی نیست، جز حرکت طبیعی فکر به سوی حیاتی که دارای هماهنگی تام است. (صلیبا، ۱۳۷۱، ص ۱۵۱)

## ۲-۵-۲. آرمان‌گرایی

این عبارت گاه معادل «ایده‌آلیسم» است. با این حال برابر دقیق آن نیست و مفهوم و دلالت‌های متفاوت آن بر اساس زمینه و موضوع استفاده مشخص می‌شود. حوزه کاربرد این عبارت به طور کلی در دو بخش «مباحث فلسفی و فلسفه هنر» و «عمومی، سیاسی و اخلاقی» است. در بحث فلسفه و فلسفه هنر، عمدتاً به جای عبارت «آرمان‌گرایی»، از «ایده‌آلیسم» استفاده می‌شود. در زمینه غیر فلسفی، «آرمان‌گرایی» معادل ایده‌آلیسم اخلاقی است. از این نظر، آرمان‌گرایی معمولاً در مقابل واقع‌گرایی قرار می‌گیرد که به معنای تسلیم در برابر واقعیت‌ها و بی‌تفاوتی نسبت به اوضاع اجتماعی است. عبارت «آرمان‌گرایی» در حوزه دوم (عمومی، سیاسی و اخلاقی) کاربرد بیشتری دارد.

## ۲-۵-۳. آرمانشهر

«آرمانشهر»<sup>۱</sup> از موضوعات مرتبط با ایده‌آلیسم و آرمان‌گرایی و نشان‌دهنده یک جامعه آرمانی است که محیط، مردم، نهادها و روابط را به صورتی مطلوب و کامل تصویر می‌کند. اهمیت این عنوان به واسطه طرح موضوعات متنوع در زندگی اجتماعی، اخلاقیات، روابط، مالکیت و اقتصاد است. این موارد، حتی در بعد انتقادی و به تعبیری سوگنامه «اتوپیا» و خصوصیت خودتخریبی آن می‌تواند الگوهایی برای هنر باشد. (Rothstein, 2003, p.6)

آرمانشهر اندازه و شکل‌های متنوعی دارد و علوم به شکل‌های گوناگون سعی در تعریف این جامعه دارند. برای مثال «جامعه آرمانی» از منظر علوم اجتماعی، جامعه‌ای است که در آن اصل عقلانی مبتنی بر همبستگی، بر شرایط طبیعی در تکوین سازمان اجتماعی مسلط شود و قوانین برای تحقق مطلوبی والا و مشترک و بدون توجه به افرادی خاص پدید آیند و این قوانین رفتار ما را در اعمال عدالت و با در نظر گرفتن منافع دیگران، تنظیم و تنسیق کنند. (بیرو، ۱۳۸۰، ص ۳۸۹)

از منظر دینی، جامعه آرمانی مبتنی بر تحقق برنامه‌ها و اصول و قواعد دین و ایجاد زمینه حاکمیت شریعت است.

## ۲-۵-۴. مدینه فاضله

در متون اسلامی، نزدیک‌ترین عنوان به جامعه آرمانی یا آرمانشهر، «مدینه فاضله» است. این عنوان ضمن آنکه به یک جامعه مشخص اشاره دارد، بر خصوصیت مهمی از این جامعه، یعنی برتری آن نسبت به جوامع دیگر نیز تأکید می‌کند. در متن قرآن کریم، «مدینه» بیش از مفهوم ساده و عادی شهر است. نخستین موضوع ریشه این کلمه است که ارتباط مستقیمی با دین دارد. در مفهوم «مدینه» و به نقل از ابن‌منظور،<sup>۲</sup> آمده است:

۱. «Utopia» اصطلاحی برای توصیف یک جامعه کامل آرمانی یا نظام اجتماعی - سیاسی عاری از عیب و نقص است که برای اولین بار توسط توماس مور در قرن شانزدهم میلادی ارائه شد.

۲. محمد بن مکرّم (۶۳۰-۷۱۱ ق) ادیب، تاریخدان و دانشمند علوم اسلامی، فقه و زبان عربی و مؤلف کتاب *لسان العرب*.

واژه «مدینه» از ریشه کلمه «دین» گرفته شده است. «دین» معانی زیادی دارد که عبارت است از: حساب، حکومت، شریعت، قانون، قضاوت، سیرت، اخلاق، تدبیر، سیاست، معصیت، گناه، تقوا، پرهیزگاری، طاعت، بندگی، پاداش، مجازات، خواری. (رهبری، ۱۳۸۷، ص ۳۲۱)

نکته دیگر در خصوص مدینه در فرهنگ قرآنی، این است که مدینه‌ها در سنت الهی از آفات در امانند و این سنت بر جایگاه فرهنگی و اعتقادی و سلامت جامعه‌ای که موصوف به «مدینه» است تأکید دارد. (رهبری، ۱۳۸۷، ص ۳۳۲)

«مدینه فاضله» اشاره مستقیم به شهر (جامعه) برتر دارد و این واژه فضایل مرتبط با عقیده و علم و هنر را نشان می‌دهد. این فضیلت در مقایسه با شهرها یا جوامع موجود، چشمگیر است و صرفاً به جزئیات یا چند مورد خاص، محدود نمی‌شود. علاوه بر آن باید تأکید کرد این برتری در علم و هنر، مبنایی اعتقادی دارد. از این رو می‌توان گفت:

طرح کلی جامعه که نمایانگر آرمان موجود در هر مکتب اجتماعی، با توجه به زیربنای فلسفی و اعتقادی آن مکتب است و بر اساس اصول بنیادین، خواسته‌ها و ارزش‌های موجود در هر مکتب مطرح می‌گردد، «مدینه فاضله» نامیده می‌شود. (سادات، ۱۳۶۰، ص ۷۳)

## ۲-۵. بهشت

«بهشت» از الگوهای خاص در اندیشه اسلامی، به مثابه نمونه کاملی از نعمات و نظام جزا و پاداش، و البته متفاوت با آرمانشهر است. از دید غیردینی نیز «بهشت» متمایز از آرمانشهر است. از منظر اندیشمندان غربی، بهشت و توصیفات آن فارغ از جنبه‌های اعتقادی، نمادی از تصویرهای کهن‌الگویی در یک نظام ایمانی هستند. (Parry, 1994, p.126)

مفهوم «بهشت» ضمن تعیین مسیر زندگی و فرجام انسان، ویژگی‌هایی از جامعه مطلوب را نشان می‌دهد که در آیات قرآن کریم، در قالب دسته‌بندی ذیل ذکر شده است:

الف. انطباق با نیازها و آرزوهای انسانی؛

ب. عینی و ملموس بودن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها (صافات: ۴۵-۴۶؛ انسان: ۲۱) و پوشاک (زخرف: ۷۱)؛

ج. خصوصیات ماورایی و بالاتر از حد تجربه و تصور (آل عمران: ۱۳۳؛ حدید: ۲۱)؛

د. بهره‌مندی کامل و بی‌نقص از نعمات تام، مطلوب، خاص، جاودانه، ایمن، پیوسته، پایدار، در دسترس، و بدون درد، رنج، تاوان، اندوه، گرفتاری و تباهی (حجر: ۴۶؛ توبه: ۲۱؛ فصلت: ۸؛ واقعه: ۳۳؛ حجر: ۴۸؛ فاطر: ۳۵)؛

هـ. وجود انواع بهشت؛

و. ملازمت با ارزش‌های معنوی؛ برترین نعمت بهشت خشنودی خداست. (الرحمن: ۴۶ و ۷۶؛ واقعه: ۱۰ و ۳۷؛ انسان: ۵ و ۶ و ۱۲ و ۲۲؛ صافات: ۴۱ و ۴۹؛ زخرف: ۷۰ و ۷۳؛ نبا: ۳۲ و ۳۵؛ مطففین: ۲۲ و ۲۸؛ غاشیه: ۱۰ و ۱۶)؛

ز. مخلوق و جسمانی بودن بهشت.

### جمع‌بندی

تنوع و وسعت مفهوم «مطلوب» از پایین‌ترین سطح (یعنی رضایت از تأمین نیاز عادی) تا بالاترین سطح (یعنی آرمان‌های اجتماعی) را شامل می‌شود. ارتقای این مفهوم و بالابردن سطح آن برای یک تجربه فردی و گروهی بسیار مهم است.

توجه همزمان به مطلوبیت‌های فردی و اجتماعی با رفع نیازها با تأمین ارتقای سطح انگیزه و رضایت ضروری است. در این صورت سطح نیاز از غریزی به سطوح بالاتر و رده آرمان‌ها نزدیک می‌شود.

«رضایت» به مفهوم انطباق یا نزدیک شدن امری به سطح قابل قبول، از ارکان مهم مطلوبیت است. رضایت الهی بالاترین سطح مطلوبیت است. این امر در عمل، ایجاد توازن و تعادل میان مطلوب انسانی و الهی است تفاوتی میان این دو وجود ندارد و در نهایت مطلوب الهی نیز از منظر انسان است.

تعالیم اسلامی در پی انطباق مطلوبیت‌های فردی با مطلوبیت‌های جمعی و الهی است. اشارات گوناگونی به ویژگی‌های انسان و جامعه مطلوب، با عناوینی مانند کامل، سالم، مؤمن، مسلمان و آرمانی؛ در بحث حاضر، ذیل عنوان «انسان مطلوب و جامعه مطلوب» قرار می‌گیرد. تنوع عناوین و تأکیده‌های متعدد در آیات قرآنی و روایات، از یک سو نشان‌دهنده ضرورت تبیین این خصوصیات و فراهم‌ساختن شرایط تحقق آنها و از سوی دیگر توجه همزمان به توازن و تعادل آنهاست. تذکر ضروری اینکه جامعه مطلوب اسلامی دست‌یافتنی است و دسترسی همزمان، همگانی، همیشگی و مساوی به امکانات و خدمات، برای رشد و بهره‌بری مادی و معنوی، از نشانه‌های آن است. در جامعه سالم هر سه مقوله جسمی، روانی و اجتماعی به طور متوازن مد نظر است. سنت الهی بر تکاپو یا نبرد دایمی و در نهایت پیروزی حق است. اما این توفیق منوط به فعل انسان اجتماعی است.

تعالیم اسلامی داشتن آرمان و رشد خصیصه آرمان‌گرایی را تأیید می‌کنند. بسیاری از این تعالیم، صفات و خصوصیات آرمان‌های فردی و جمعی هستند. مدینه فاضله و بهشت علاوه بر الگوی تشویق، الگویی ترکیبی از خصوصیات عینی و مجازی (دنیوی و اخروی) است.

### ۳. هنر

#### ۳-۱. مفهوم کلی «هنر» در اندیشه اسلامی

هنر دینی مظاهر مشهودی دارد و شامل آثار ملموس و ماندگار در گستره‌ای بزرگ است که با جنبه‌های گوناگون باور، ایمان و اعمال معنوی و نمادین درآمیخته است. در واقع می‌توان گفت: هنر دینی علاوه بر انعکاس نمادهای دینی، همواره در حال تولید نمادهای معنادار برای انسان و جامعه است، فارغ از ناپایداری یا ماندگاری، زمان، تأثیر و مانند آن. نگرش به این عوامل فصل مشترکی در باورها و ادیان و نیازمند رفتاری احترام‌آمیز است که خود بازتاب مفهوم «مطلوبیت» در هنر است. (Ross, 2009, p.15) برای تبیین مفهوم «هنر» یا تعریف آن از منظر اندیشه اسلامی، در آغاز، زمینه این تعریف یا رابطه دین و هنر ذکر می‌شود.

### ۳-۲. رابطه دین و هنر

بخش وسیعی از میراث هنری جهان بر رابطه دوسویه و عمیق دین و هنر تأکید دارد. با وجود تنوع و گستردگی زمانی و مکانی این آثار، می‌توان ادعا داشت دین ذهنیت، زمینه، برنامه و الزامات کار را برای هنر مشخص می‌کند و هنر امکانات و ابزار و زبان در اختیار دین قرار می‌دهد. انتظارات دین از هنر، شاخص‌های مطلوب هنر را تعیین می‌کند و نقش هنر در دین، امکان تحقق این مطلوب‌ها را. این موارد مقدمه‌ای برای ورود به دو بحث خواهد بود: «روش‌ها و رویکردها و دیدگاه‌ها به هنر اسلامی» و «خصوصیات هنر مطلوب اسلامی».

### ۳-۲-۱. محتوای پیام‌های دینی

تعلیم اصول و اعتقادات، آداب و دستورات دینی؛  
تبلیغ ضرورت، اهمیت، مبدأ و غایت دین؛  
ارائه الگوی رفتار فردی و نهادهای اجتماعی و ساختاری برای فرد و جامعه.

در خصوص موارد فوق، هنر نقش میانجی دارد. از این نظر دین قلب هنر، و هنر قالب دین محسوب می‌شود.

### ۳-۲-۲. فواید و کارکردهای دین

کاپادونا (۱۳۸۳) مواردی مانند آیین، عبادت، تعلیم و تربیت را معیارهای دینی یا غیردینی انگاشتن هنر می‌شمارد. او می‌گوید: هنر همه ادیان جهان ممکن است ترکیب چند یا همه مقوله‌های یادشده باشد؛ یعنی یک اثر هنری ممکن است تعلیمی و عبادی یا عرفانی و نمادین باشد. (کاپادونا، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲-۱۰۳) از این نظر معیارهای دینی‌بودن هنر، فواید و کارکردهای آن را نشان می‌دهند.

### ۳-۲-۳. ارتباط دین با کار هنری

با بررسی نقش هنر و دین و محتوای پیام‌های دینی، نکات ذیل در خصوص ارتباط دین و هنر قابل طرح است:

- دین درباره هنر، دستوراتی صریح یا قابل تفسیر دارد؛ از جمله درباب تصویرگری و مجسمه‌سازی یا رنگ پوشاک.
- دین مضمون و موضوع می‌دهد؛ از جمله در هنر کتابت قرآن و احادیث، و تشویق به فراگیری اصول و فروع دین.
- دین فضا و امکان (سفارش) می‌دهد و زمینه متنوع و وسیعی در زمینه ساختار و تزیینات بناهای مذهبی، کتابت و مانند آن ارائه می‌دهد.
- دین نسبت به هنر مطلوب یا نامطلوب، واکنش حمایتی یا رد دارد.
- دین به هنرمند دیندار، انگیزه و دلیل کار می‌دهد.
- دین محور فکری و ذهنیت هنرمند از جهان درون، جهان بیرون و جهان هنر را می‌سازد.
- دین تعاریف حکمی، فلسفی یا عرفانی از «هنر»، مفهوم و ماهیت آن ارائه می‌دهد.
- دین با تعیین حد و مرز، کار هنر را به دو گروه مقبول (تأکید و تشویق) یا مردود تقسیم می‌کند.
- دین از هنر به واسطه ظرفیت‌ها و جذابیت‌های آن برای پیشبرد اهداف دینی استفاده می‌کند.

### ۳-۳. روش‌ها و رویکردهای بررسی هنر اسلامی

با تبیین وجود، ماهیت و نوع رابطه دین و هنر، به بررسی هنر اسلامی می‌رسیم. اهمیت این بحث به سبب انتخاب رویکرد یا دیدگاه نهایی برای تعیین خصوصیات هنر مطلوب اسلامی است.

#### ۳-۳-۱. رویکردهای بررسی هنر اسلامی

منظور از «رویکرد» در اینجا، موضع‌گیری یا جهت‌گیری نسبت به موضوعی خاص، برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی یا فنی است. علت انتخاب این عنوان تنوع تعاریف و نگرش‌ها نسبت به هنر اسلامی است. بلخاری (۱۳۸۹) با تقسیم‌بندی کلی نظرات موافقان و مخالفان وجود هنر اسلامی، چهار نگرش موافقان را نیز مطرح می‌کند:

۱. منکران وجود هنر و معماری اسلامی؛

۲. معتقدان به وجود هنر اسلامی.

الف. تزیینی و فاقد جنبه‌های نمادین و معنوی است.

ب. مبتنی بر بن‌مایه‌های نژادی است.

ج. مبتنی بر اندیشه‌های کلامی اهل سنت است.

د. مبتنی بر بن‌مایه‌های کاملاً عرفانی و جهان‌بینی باطن‌گرای شیعی است. (بلخاری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸-۱۲۹)

با جمع‌بندی نظرات گوناگون، رویکردهای موجود در جدول (۴) دسته‌بندی می‌شود:

ویژگی‌ها	محور و اساس رویکرد	رویکرد
فاقد جامعیت، فراگیری و تمایز، تلفیقی از هنر سرزمین‌ها یا تمدن‌های پیشین و مجاور	صرفاً هنر مسلمانان یا هنر سرزمین‌های اسلامی	انکاری (عدم)
صرفاً بخش کمی از آثار دوره اسلامی در حوزه محدود و در دوره تاریخی کوتاه گذشته	تلفیقی از هنر مناطق و تمدن‌های موازی یا پیشین	سلبی (عدم)
بررسی و توصیف جریان رشد هنر اسلامی، شرایط تاریخی، تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در تحولات و سیر تکامل آن	تمرکز بر تاریخ و جغرافیای کار هنری - فارغ از ذهنیت و معنا	تاریخی - توصیفی
زیربنای فعالیت‌های هنری، نظام اعتقادی اسلام است، فکری و هنری است و بر مدار نوعی «شهود عقلی» می‌گردد.	دارای محتوای دینی، برگرفته از نصوص دینی	حکمی - کلامی
بر اساس مفاهیم عرفانی در فضایی مرتبط با معنویت یا عالم معنوی، کار هنرمند سیر و سلوک عرفانی است.	هنری مقدس، سنتی و بدون مرز زمان و مکان با اصول و مبانی مشترک جهانی و جاودانی	عرفانی
آراسک	مبتنی بر محور نژاد و حکومت، دستوری، محدود به مکان	نژادی - عربی
فاقد جنبه‌های نمادین و معنوی	انتزاعی، تزئینی، هندسی	صورت‌گرا

جدول (۴): عناوین و خصوصیات رویکردها نسبت به هنر اسلامی



### ۳-۴. هنر اسلامی و تعابیر مرتبط

برای تعریف «هنر» و تعیین خصوصیات آن از تعابیر متفاوتی استفاده می‌شود که به دوره، مکان، نگرش، روش، سبک و مانند آن اشاره دارد. اما گروهی از عناوین و تعابیر بر اساس معنا یا صفت، مفهومی مثبت درباره هنر به شمار می‌آیند؛ از جمله: سنتی، مقدس، آرمانگرا، ایدئولوژیک، مکتبی، معنوی، متعهد، معناگرا، ارزشی، اخلاقی، پاک، مردمی، رحمانی، الهی، فاخر، برتر، اصیل، عالی، حقیقی، اجتماعی، مفید و مانند آن. در خصوص تعابیر مزبور توضیحات ذیل لازم است:

- برخی از این تعابیر، کلی و عام هستند (اصیل، پاک، رحمانی).
- برخی برای ایجاد تمایز و دسته‌بندی هستند (فاخر، عالی، برتر، سنتی).
- برخی زاویه دید را نشان می‌دهند (الهی، معنوی، مردمی، مکتبی، ایدئولوژیک).
- برخی تأکید هستند (متعهد، اخلاق، ارزشی، آرمانگرا).
- تعریف هر عنوان در برابر یک عنوان متضاد دیگر روشن می‌شود. برای عنوان مثال، «معناگرا» در برابر «پوچ».

باید توجه داشت که این عبارات بر اساس نوع نگرش یا اهمیت موضوع به کار می‌روند و در زمینه هر بحث، می‌توانند مناسب و دقیق باشند. برای مثال در بحث اخلاق و تعهد، شاید گویاترین عبارت «هنر متعهد» باشد. از این نظر، هنر «متعهد و ارزشی» یعنی: هنر متعهد به یک ارزش که بحث پیشینی نسبت به هنر دینی و اسلامی است. «هنر دینی» را می‌توان یکی از انواع هنر متعهد یا ارزشی نامید. (رشاد، ۱۴۰۰، ص ۱۷۰) این تلقی در خصوص سایر عناوین نیز جاری است. البته با محور و مقدمه بحث، ما از عنوان «هنر دینی» به صورت یک مفهوم بزرگ و فراگیر استفاده می‌کنیم. از این نظر، «هنر مطلوب» ذیل عنوان «هنر دینی» و «هنر اسلامی»، شامل همه موارد، اصطلاحات و تقسیمات مزبور می‌شود.

### ۳-۵. نظرات و صاحب‌نظران هنر اسلامی

در باب هنر اسلامی، نظرات متنوعی ارائه شده است. نکته مهم آنکه تعاریف مربوط به هنر یا بیان خصوصیات و کارکردهای آن از سوی یک صاحب‌نظر، تشریح و تبیین هنر مطلوب نیز تلقی می‌شود.

تا قرن اخیر، در متون اسلامی اشارات مستقیمی به هنر وجود نداشت یا بسیار کم بود؛ اما در روزگار معاصر، علاوه بر اینکه یک تفاهم کلی درباره عبارت هنر به وجود آمد، نظرات درباره هنر و هنر مطلوب شکل صریح و شفافی گرفت. در جدول (۵) نظرات اندیشمندان مسلمانی ذکر شده که تعریف، مفهوم و توصیفات هنر را به صورت مستقیم در نظر داشته و هنر اسلامی یا هنر مطلوب را به زبان معاصر بیان کرده‌اند.

اعتقادی - سیاسی	حکمی - فلسفی	
کاربردی یا کارکردی، مؤثر در تبلیغ، تعلیم و تشریح اعتقادات دینی و سیاسی.	بیش از کارکرد و کاربرد، به ماهیت و خصوصیات آن توجه دارد. در این مجموعه دیدگاه‌های عرفانی نیز جای دارند.	مفهوم کلی
عدالتخواه، مبارز، روشنگر، مسئول، آرمانگرا (امام خمینی) تبلیغی، ابزاری، انقلابی، جهادی، ممتاز، فاخر، پیشرو، ضروری (آیت‌الله خامنه‌ای) انقلابی، عرفانی، تمثیلی، دینی، رحمانی، متعالی، متعهد (مرتضی آوینی) / ایدئولوژیک، انقلابی، مبارز، اجتماعی، مسئول، متعهد، بینش، راه (علی شریعتی) / اصیل، خدایی، اخروی (محمد تقی مصباح یزدی) مکتبی، متعهد، مسئول، عقیدتی، متعالی و متکامل، تربیتی و تبلیغی، بینشی، راهگشا و مؤثر (جواد محدثی).	انسانی، برای انسان در حیات معقول، پیشرو، متعهد، سازنده (محمدتقی جعفری) / صادق، علمی، تعلیمی، تجلی معقول حقیقی در کسوت محسوس (عبدالله جوادی آملی) / حقیقی، دینی، اصولی، اعتقادی (غلامرضا اعوانی) / عرفانی، رازورزانه، تجلی، قدر، معناگرا، معنویت عالمانه، متافیزیکی (حسن بلخاری) / ضروری، قدسی، حسن ازلی، ماندگار، مفید، اصیل، برتر (رضا داوری اردکانی) معنوی، حقیقی، حکمی، شهودی، تفکر، پیوند مبدأ به معاد، معرفت الهی، رفیع، باطنی، سرمدی، قدسی (محمد مددپور) قدسی، عرفانی، انتزاعی، نمادین، رمزگونه، معنادار، سنت زنده، پویا و ازلی، احیای دانش و خرد، وحدت متعالی ادیان، دین جاوید، حکمت خالده (سنت‌گرایان).	کلیدواژه‌ها

جدول (۵): رویکردها و نظرات اندیشمندان معاصر در باب هنر اسلامی

### ۳-۵-۱. هنر در جهان محسوس و مثالی (هنر مجازی و عینی)

با وجود تعاریف مختلف از هنر، رسیدن به نقطه اشتراک دشوار است، صاحب‌نظران مختلف هر یک بر اساس زاویه دید، مطلوب خود و همچنین خصوصیات و صفات مدنظر، تعاریفی عرضه کرده‌اند، گذشته از تعاریف مبتنی بر میمیزیس، بیان، فرم و زیبایی به عنوان چهار نظریه مطرح در ساحت فلسفه هنر (بلخاری، ۱۳۸۹، ص ۴۳) بخش بزرگی از صاحب‌نظران مسلمان (بلخاری، جعفری، جوادی آملی، سنتگرایان، و ...) با اتفاق نظر، هنر را ظهور امر معقول در قالب محسوس می‌دانند. این تعریف بر مدار همان جهان‌بینی اسلامی مذکور در بخش پیشین بحث ماست و پیوند دو موضوع جهان‌بینی اسلامی و هنر را نشان می‌دهد.

#### جمع‌بندی

مجموعه وسیعی از آثار هنری بر رابطه عمیق دین و هنر تأکید دارند که در عمده این آثار، دین ذهنیت، زمینه، برنامه و الزامات کار را برای هنر مشخص می‌کند و هنر ابزار و زبان مؤثر و جذاب در اختیار دین قرار می‌دهد.

محتوای پیام‌های دینی شامل «تعلیم»، «تبلیغ»، «ارائه الگو» است که در این میان هنر نقش میانجی دارد.

دین در بحث ما ارائه‌گر الگویی برای کار هنری، اصول، ذهنیت، برنامه و تأکیدات است. این الگو توجیه محدودیت‌ها و الزامات نبوده، بلکه الگوی رفتار و کار هنری است.

گذشته از تفاوت در صفات و عناوین، همه رویکردهای معتقدان به وجود هنر اسلامی بر ارزش، تأثیر و جذابیت هنر اسلامی تأکید دارند. تنوع آراء یا تضاد میان آنها فرصتی برای استفاده عمومی از هنر است.

تعریف «هنر» به مثابه ظهور امر معقول در محسوس، بر مدار جهان‌بینی اسلامی، مبتنی بر عوالم معقول و محسوس، تعریف قابل اعتنایی در رابطه با جهان‌بینی اسلامی و هنر است.

### نتایج نهایی

محور بحث و نتایج ذی ربط بر پنج عنوان اصلی متمرکز است:

الف. مجموعه تعالیم اسلامی (عقاید، اخلاقیات، احکام) وسیع، همه‌جانبه، دائمی و جاودان هستند. بخشی از امور بر اساس عرف یا مقتضیات زمان، امکان هماهنگی با تحولات را فراهم می‌کند.

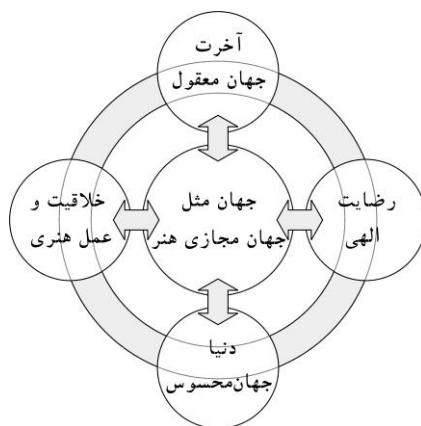
ب. «توحید» محور تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلامی مبتنی بر جهان مادی و غیرمادی (دنوی - اخروی) است و الگوهای مانند حیات عینی و مجازی در کنار تغییر حالات و جابه‌جایی بین آنها بر این موضوع تأکید دارند.

ج. مفهوم «مطلوب» و «مطلوبیت» از منظر اندیشه اسلامی، توجه به نیازها و تأمین طبیعی آنها، در کنار رشد سطح مطلوبیت به درجات بالا و تبدیل سطح مطلوبیت از نیاز به آرمان است. این امر در قالب اعتقادات اسلامی و با محوریت رضایت الهی است. این امر در تعریف ما از «انسان آرمان‌گرا» و «جامعه مطلوب» مندرج است.

د. دین و هنر ارتباطی تاریخی، عمیق و پرثمر دارند و به واسطه خلق جهان عینی و مجازی، یاریگر انسان در راه تکامل و در یک مسیر هستند. دین الگوهای قابل اجرا برای هنر، و هنر امکان توسعه برنامه‌های دین را دارد.

ه. دسترسی به هنر یک تجربه معنوی و معرفتی است و کسب این تجربه ضروری بوده و با روح معنوی و عدالت‌ساز رسالت (وحی) همخوان است.

این نکات با توجه به کلیدواژه‌های بحث بر اساس الگوی شکل (۲) قابل تبیین هستند:



شکل (۲): الگوی ارتباطی محورهای بحث و نتایج

### دستاوردهای تحقیق

هنر مطلوب در اندیشه اسلامی واجد این ویژگی‌هاست:

الف. به لحاظ جهان‌بینی، توحیدی و قایل به وجود خداوند به عنوان خالق انسان و جهان است.

ب. به لحاظ ذهنیت هنری، هنر ترکیب مجاز و واقعیت است. هنر به همان نسبت که ظهور امر معقول در قالب محسوس است، تجربه هنری هر دو عالم را برای هنرمند و مخاطب فراهم کرده و سیر معنوی بین عوالم را محقق می‌سازد. از این نظر توجه به هنر مجازی، همراهی با تحولات فناورانه اخیر بوده و با توجه به روند رشد فناوری مجازی، این امر اجتناب‌ناپذیر است. هنر مجازی تجربه جهانی فراتر از محسوسات است.

ج. به لحاظ مضمون و موضوع، بر اساس پیام وحی، هنر مطلوب اسلامی دعوت‌کننده، بشارت‌دهنده و رحمانی است.

د. به لحاظ رویکرد کار هنری، هنر مطلوب بر اساس الگوهای دینی، مسئول، غایت‌گرا، جهانی، فراگیر، مؤثر، مفید و آرمانگراست.

این ویژگی‌ها در برابر کار هنری بی‌مسئولیت، بی‌هدف، مبهم، بیهوده و بی‌معنا قرار دارند.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۱)، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، چ سوم، تهران، چاپخش.
۲. الوانی، سید مهدی (۱۳۹۰)، مدیریت عمومی، چ چهل و سوم، تهران، نی.
۳. بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۹)، آشنایی با فلسفه هنر، چ دوم، تهران، سوره مهر.
۴. بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چ چهارم، تهران، کیهان.
۵. رضائیان، علی (۱۳۷۹)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت.
۶. سادات، محمدعلی (۱۳۶۰)، آشنایی با مکتب‌ها و اصطلاحات سیاسی، تهران، هدی.
۷. سجادی، سیدجعفر (۱۳۶۳)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۸. شجاعی، محمد (۱۳۸۴)، تجسم عمل و شفاعت، چ دوم، تهران، کانون اندیشه جوان.
۹. صلیبا، جمیل (۱۳۷۱)، واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی، ترجمه صادق سجادی و کاظم برگ‌نیسی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۶)، شیعه در اسلام، چ سوم، تهران، قم، بوستان کتاب.
۱۱. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، چ یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. فارابی، محمد (۱۳۷۹)، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی، تهران، طبع و نشر.
۱۳. فشاهی، محمدرضا (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر سیر تفکر در قرون وسطی، چ سوم، تهران، گوتنبرگ.
۱۴. کرین، هانری (۱۳۹۴)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه حسین نصر، چ ششم، تهران، امیرکبیر.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، آشنایی با قرآن (شناخت قرآن)، چ پنجم، تهران، صدرا.

۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، **مجموعه آثار**، چ ششم، تهران، صدرا.
۱۷. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۶۲)، **مبدأ و معاد**، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۸. طوسی، محمد نصیرالدین (۱۳۹۹)، **اخلاق ناصری**، چ هشتم، تهران، خوارزمی.
۱۹. آپوستولوس و دایان کاپادونا (۱۳۸۳)، «دین و هنر»، ترجمه فرهاد ساسانی، **بیناب**، سوره مهر، ش ۷، ص ۹۹-۱۰۹.
۲۰. بنی فاطمه، حسین و بوداقتی، علی (۱۳۹۳)، «مقایسه شهر مطلوب با شهر جهانی»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، ش ۱۳، ص ۱-۲۶.
۲۱. حسین زاده یزدی، مهدی و حسینی روحانی، حمیده سادات (۱۳۹۳)، «تکامل و پیشرفت انسان و جامعه از دیدگاه شهید مطهری»، **الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی**، ش ۵، ص ۳۷-۵۸.
۲۲. رهبری، حسن (۱۳۸۷)، «شهر و روستا در فرهنگ قرآن»، **پژوهش‌های قرآنی**، ش ۵۴ و ۵۵، ص ۳۲۱-۳۴۱.
۲۳. ویسی، زاهد (۱۳۸۶)، «نظریه مقاصد الشریعه یا اهداف دین؛ راهی برای گذار از آفات و آسیب‌های دین‌ورزی و دین‌پژوهی» **کتاب نقد**، ش ۴۴، ص ۸۵-۱۰۸.
۲۴. هدائی، جعفر (۱۳۹۵)، «تبیین تجسم اعمال بر اساس ترتب عوامل کلی وجود (ماده، مثال، عقل)»، **اندیشه نوین دینی**، ص ۴۴، ص ۱۱۳-۱۲۸.
۲۵. غلامی، رضا (۱۳۹۷)، «درس‌گفتارها» **اردیبهشت - شهریور**.

- <http://www.shabestan.ir/detail/News/708631>.
- Rothstein, E. & Herbert Muschamp & Martin E. Marty (2003), **VISIONS OF UTOPIA**, Oxford University Press, New York.
- Maslow, A.H (1970) **Motivation and personality**, Harper & Row publishers, New York, USA 1970, 1ed.
- Ross, L (2009), **Art and Architecture of the World's Religions**, GREENWOOD PRESS, USA, CALIFORNIA, 1 pub.

- Parry, D.W (1994), **Temples of the Ancient World: Ritual and Symbolism**, Deseret Book Co. UTAH, USA, 1 pub.
- Mawson, T.J (2005), **Belief in God, an Introduction to the Philosophy of Religion**, Oxford University Press, 1 pub.
- Edward, C (2005), **the Shorter Routledge Encyclopedia of Philosophy**, Routledge Press, New York, USA, 1 pub.